



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۸/۲۸

مصطفی عمرزی

اعتراف دشمنان

در تمام فرصت هایی که میسر شده اند، به عنوان آگاه و فعال مدنی، فرهنگی و تباری کوشیده ام نکات و زوایایی مکتوم نمانند که اولویت های مردم برای آگاهی بودند. با این سنت همواره در پی حمایت و توجیه منطقی کردار آن بزرگان دولت استم که با مثنی افغانی و ملی، روزگار خاینان را سیاه می کنند.

استعفای آقای اتمر خوش آیند نیست؛ زیرا او از بزرگانی بود که به اعتراف دشمنان، به شان و توان دولت افزوده بود. تبصره صفحه «کابل تکسی»، نظرم را جلب کرد. قسمتی از آن دهن کجی را که باوجود اعتراف، به نتیجه برعکس می رسد، اقتباس می کنم:

«... با آنکه در چهار سال گذشته به ندرت در انظار عمومی ظاهر شد، کم صحبت کرد اما هرچه در خفا رفت بیشتر خوفناک شد.

اتمر جنرال دوستم را در غورماچ کمین زد و کم بود تمامی سران حزب جمعیت را یکجا با سالم ایزدیار دفن خاک کند. جنبش روشنایی را به خاک زد. رستاخیز را هم با گلوله لیسست کسانی که با اتمر چنگ به چنگ شد طولانی است. اتمر با نبیل در افتاد. با عطا یخن به یخن شد. صالح را در مساله قندوز تهدید و وادار به سکوت کرد اما فغان وزیر خارجه را کشید. تا آنجایی که خواست اول حزب جمعیت برکناری اتمر از مشاوریت امنیت ملی بود...»

گزیده ای از تبصره ای که با آن ادبیات بازاری در اخیر به پیاوه می رسد، اما اعتراف به توان مردی ست که افتخار حذف و پاک سازی گروه ها، افراد و جناح هایی را دارد که از تنظیمیان وابسته تا مداری های مدنی، همه و همه در عقب خارجی ایستاده اند و طالب خرج استند.

کل تحلیل ها و نظرات کارشناسان مسأله افغانستان به این نتیجه می رسد که نظام افغانستان با موجودی بازیگران خاین، مجرم و جنایتکار چهل سال اخیر، به شایسته سالاری نمی رسد.

در این فرصت، کاری با این نداریم که تحلیل جهانی، جناحی و دولتی از اتمر چیست؟ نظرسنجی صدای امریکا در مورد او یا تحلیل های اسپوتنیک افغانستان به کجا می رسند. در روال عادی، صلاحیت رهبر جمهور را می پذیریم و برای آقای حمد الله محب تبریک می گوئیم. حداقل جای یک نخبه را کسی از نخبه گان خود ما پر می کند، اما اندیشه ما در گرو واقعیت ها مانده است.

چرایی این که واقعیت های اکثریت، تاثیر ملموسی در ساماندهی حاکمیت برجا نگذاشته اند، به ناراحتی نبود افراد و اشخاصی می رسند که تنها در وجود اتمر، کابوس بازیگرانی شد که از کودتای ثور تاکنون، اگر وجود دارند، در سایه سر خارجی اند.

محور اتمر ها در حکومت، خار چشم افراد و اشخاصی بود که استقلالیت غیر وابسته تنظیمی را نمی خواستند. زورآزمایی جمعیت و شورای نظار که بالاخره به یاس و فغان رسید، تحلیل های آنان را به همان شیوه ای حجیم کرد که با فرهنگ معمول خر-آسانی فارسی، عادت تاریخی دارند. کافی ست پشتون باشید تا از شما تابوی فاشیسم بسازند.

دولت در کل حاکمیت کرسی به لنگی شبیه بود که یک پایش را به عمد از کار انداخته بودند. از زمان جهاد تا زمان کرسی، جلوگیری از محور هایی که مثلاً با شاه مرحوم افغانستان را از انحراف سیاسی تنظیمی نگه می داشتند، یک اصل تنظیمی به شمار می رود.

در حاکمیت کرسی با اختیار افرادی که در تقابل سیاسی، هرگز ابهت طالبانی را نداشتند تا در برابر زیاده خواهی های تنظیمی با مشت کوبیده پاسخ بگویند، دولت در دولتی را ایجاد کرد که ظاهراً با تکنوکرات ها اداره می شد، اما

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

نفوذ و سایه تنظیمیان به حدی بزرگ نمایی شد که رئیس جمهور قبلی اکنون نیز حاضر نیست با نام افغان، تذکره بگیرد.

من به رئیس جمهور غنی اعتماد دارم. صراحت ها و سرسختی او از زمانی که احمد ضیاء مسعود را بیرون انداخت و در برابر قواره نحس تنظیمی بی اعتنا و بدون اهمیت به نیرنگ های آنان، به مردم رو کرد، باعث شادمانی بیشتر می شود. او با صراحت بیان در مسأله تذکره الکترونیک و حساسیت هایی که سعی می شد ماهیت قومی بخشیده شوند، هرگز تسلیم گروهک هایی نشد که می داند با کل قواره تنظیمی، بقای شان محتاج لطف خارجی است، اما تداوم شرزدایی، به بازو هایی نیاز دارد که می پندارم با اتمر بریده اند.

سوا از اوضاع امنیتی که با دربست حضور و انحصارات تنظیمیان محال است بهتر شود، محور اتمر در ارگ، ورودی مناسب افغانانی بود که دوست ندارند تنظیمی باشند. اگر فقط بازوی اتمر در پاکسازی شر از نظام، کابوس وحشتناک خاینان بود، تجمع این محور ها، به نفع همه است.

از زمان پخش خبر استعفای اتمر، پایکوبی ها و جشن های مخالفان، با ماهیت خر-آسانی به جمع و جوش چهارپایان می ماند. بهتر است از کنار این تحلیل و واقعیت هایی آنان نگذرند.

درب های باز دولت با منفذ هایی که محل ورود و خروج انواع مخل سیاسی است، در شرایطی که فشار دو طرفه برای تضعیف دولت وجود دارد، جای خالی، نه به معنی پست دولتی، بل به معنی ساحه نفوذ و اختیاراتی که با اعترافی آوردیم (اقتباس بالا)، دولت را عاجزتر نمی سازد؟

در افتادن با پهلوان پنبه های تنظیمی برای کسانی مشکل است که حول رئیس جمهور قبلی، هنوز تسلیم یاهو های تبلیغاتی آنان اند. هیچ کس از نقش کلیدی محمد حنیف اتمر در حذف والی پوشالی بلخ، به اصطلاح امپراتور تنظیمی شک ندارد. اگر توان شگرف سیاسی مستقل، این قدر به نفع ماست، دوری محمد حنیف اتمر را فاجعه تلقی می کنیم.

بزرگ ترین بدبختی ما در 17 سال گذشته، حضور افرادی بود که در دسته غیر تنظیمیان، اما همیشه از آنان حرف شنیده اند. تضعیف دولت با اشخاصی که جرات ستیز با انحصارگران تنظیمی را نداشته باشند، میراثی بود که از حامد کرزی به حکومت دکتور غنی نیز تحمیل شد.

به هر حال خوش ترین لحظات ریاست جمهوری دکتور غنی با محور افرادی شکل گرفت که با اتمر ها، توهم تنظیمی را شکستند و با حذف یک مهره وابسته (والی قبلی بلخ)، بیشتر از پیش اهمیت پاکسازی هایی را ثابت کردند که امیدوارم با نبود اتمر نیز به سنت نیکو و پابرجای ریاست جمهوری دکتور غنی باقی بماند.